

پیرامون نام تاریخی کشور «ایلام»

دکتر ض. صدر

خود اهالی ایلام کشور خودشان را HALTAMTU هلتمتو یا هلتمتی به معنی سرزمین خدا(ئی) می‌نامیدند. سومری‌های دشت‌نشین ناحیه بین‌النهرین، آنکشور را ایلام (ELAM) یعنی کشور کوهستانی و اهالی آن را ایلامی یعنی ساکنان مناطق کوهستانی خطاب می‌کردند. این نامگذاری را اکدی‌ها از سومری‌ها اخذ و از طریق تمدن بابل به تورات رسید که با املائی «عیلام» به اعراب و دیگر مسلمین منتقل شد.

یونانیها اهالی کشور هلتمتو (عیلام) را نظیر اکد و بابل، در رابطه با پایتخت‌شان شهر شوش بنام سوزیان (SUSIAN(a) و نیز بصورت مُحَرَف ELYMAIS (الی‌ما‌یس) می‌گفتند. پارسها (هخامنشیان) نیز آنها را HUWAJA (هوواجا) می‌نامیدند. در این آشفته‌بازار، درستترین و مناسبترین نام، اسمی است که خود اهالی به کشور خویش و خودشان می‌دادند یعنی «هلتمتو یا هلتمتی». اما غربی‌ها که تعصب نامعقولی در مورد نوشته‌های کتاب مقدس خودشان (BIBLE: تورات و انجیل) از یکسو و نوشته‌ها و آثار یونانی و رومی از سوی دیگر دارند، کشور هلتمتو را عیلام یا ایلام (ELAM) نامیده و می‌نامند که امروز نظیر بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیایی به غلط‌ها یا نامها و تعریف‌های مشهور مبدل شده است.

این تحریف نام کشورها در مورد کشور هیتی‌ها نخستین کشور تحلیلی (آریایی) زبان تاریخ- که در بغازکوی (150 کیلومتری آنکارا بطرف ایران) واقع بود، به پیروی از نوشته‌های مصری نیز راه یافت. هیتی‌ها خود، زبان خود را بنام نخستین شهرشان که NESA (نسا) نام داشت، NESIAN (نسی‌آن) می‌نامیدند نه هیتی. این سنت نامیدن کشور بنام شهر را در لغت «ایران-شهر» باز می‌یابیم. این دانشمندان، ما ایرانیان را نیز به پیروی از سنت یونانی به ناروا پارسی و کشورمان را پارس می‌نامیدند و می‌نامند. در دوره پهلوی بعلت آریائی گرائی که آخرین شاه لقب «آریامهر» را هم یدک می‌کشید، هردو پادشاه با این گرایش اروپائی مخالفت کردند و در نتیجه کمی از شدت تعصب غربیان در این مورد کاسته شد و امروزه اغلب ما را ایرانی و کشور را ایران می‌نامند. تورات و منابع یونانی بخشی از عوامل تحریف تاریخ باستانی نیز محسوب می‌شوند.

تمدن ایلام

در کتابهای تاریخی

دکتر ض. صدر

در اغلب کتابهای تاریخی از ایلام (هلمتو) و اهمیت آن در تاریخ تمدن کشورمان خبری نیست. در تألیفات ایرانیان خارج و داخل کشور بعنوان نمونه‌هایی از خروار می‌توان به کتابهای زیر اشاره کرد:

1- تاریخ ده‌هزارساله ایران، تألیف عبدالعظیم رضائی: از پیدایش آریاها تا انقراض قاجاریه؛

2- تاریخ کامل ایران. تألیف دکتر عبدالله رازی: از تأسیس ماد تا انقراض قاجاریه را در بر می‌گیرد.

3- تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، تألیف حسن پیرنیا و عباس اقبال: این کتاب تاریخ ایران را از دوره‌ماد و پارس شروع می‌کند، نه ایلام.

4- مورخین روس نظیر دیاکونوف (تاریخ ماد) و پطروشفسکی (تاریخ ایران) همواره تاریخ کشور ما را از ماد آغاز می‌کنند که ایرادی به آنان نیست، مأمور بودند و معذور.

5- آنسیکلوپدی «آن کارتا» (ENCARTA) نیز تاریخ ایران را از کوروش دوم هخامنشی (کبیر) شروع می‌کند تا رابطه «پرس=ایران» با نام قوم پارس که مربوط به سنت نادرست تاریخنگاری یونانی است محفوظ بماند تمدن این سرزمین با آزادکننده بنی اسرائیل از اسارت بابل آغاز شود. تمدن کهنسال ایلام و ماد در مقوله جداگانه و مستقلی مطرح می‌شوند و نامی از تمدن 1500 ساله ماننا (با آثار باقی مانده در تپه حسنلو) در آذربایجان و گوتی در لرستان و لولوبی و کاسیت و... نیست.

6- استاد «ابراهیم» پور «داوود» برغم نام و نام پدر و فامیلش تمایلات تند نژادی-تباری و ملت‌گرائی قومی (ناسیونالیسم اتنیک: آریائی) داشت. او در اوج تب رواج تاریخ دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی یعنی 1356=2536 در مقدمه یسنا (شماره مسلسل 2023، چاپ دانشگاه تهران، ص 7) از کاربرد این تاریخ من درآوردی اجتناب می‌کند اما بجای آن تاریخ 2570 مادی را می‌گذارد. ابراهیم پور داوود کسی است که در مقدمه یشت‌ها در اشاره به زندیه که تنها 31 سال بر بخشی از ایران بعنوان وکیل‌الرعیاحاکم بودند می‌نویسد: «زندیه سلسله‌ای ایرانی است» یعنی نظیر سلسله‌های دیگر از آغاز غزنوی (964 میلادی = 342 ه.ش) تا سرانجام و انقراض قاجاریه (1925 میلادی = 1304 ه.ش) غیر ایرانی نژاد (!) یعنی ترک نژاد (!) نیست.

راستی انسان از «چشم‌بندی» مورخین خودی به حیرت می‌افتد که دیگران (یهودیان، آرامنه، پان‌ترکیستها و...) برای خودشان تاریخ جعل یا درست می‌کنند در مقابل مورخین ما (بر بیگانگان قلم بمزدیا نان به نرخ روز خور بیگانه حرجی نیست) به حذف و تحریف و کوتاه کردن تاریخ تمدن، حکومت و سلطنت و فرهنگ کشور ما مشغولند. این هم لابد از هنرهایی است که بقول فردوسی «زان ایرانیان است و بس».